

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میسری، پلاک ۲۲ و تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰
•
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
•
تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵
•
تلفن امور مشترک‌کین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
•
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز
نوبن
•
تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶
•
چاپ: صمیم

شرق

دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴ • ۲۶ رمضان ۱۴۴۷ • ۱۶ مارس ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۴۸ • صفحه ۸

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۸:۲۱ • اذان صبح فردا ۴:۴۹ • طلوع آفتاب ۶:۱۳

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

خبرخوانی

نه به جنگ در اسپانیا

هزاران نفر در مادرید و دیگر شهرهای اسپانیا همراه با شخصیت‌هایی از دنیای فرهنگ و سیاست در اعتراضاتی شرکت کردند و خواستار پایان‌دادن به جنگ در ایران شدند. این ابتکار با حمایت بیش از ۲۰۰ انجمن و تحت شعار «باید جنگ در خاورمیانه را متوقف کرد، غزه را فراموش نکنیم» برگزار شد. پلتفرم «نه به جنگ» (No a la Guerra) که برگزارکننده این تجمعات بود، حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران را محکوم کرده و آنها را «تهدیدی جدی برای صلح منطقه‌ای و خطری برای صلح جهانی» توصیف کرد.

طبق اعلام نماینده دولت، حدود چهار هزارو ۵۰۰ نفر (و به‌گفته برگزارکنندگان بیش از پنج هزار نفر) گرد هم آمدند تا پایان درگیری‌های خاورمیانه را مطالبه کنند. در مادرید، جمعیت با شعارهایی چون «نه به جنگ»، «چه کسی اینجا تصمیم می‌گیرد؟ مردم ایران» و «هر ملت، هر میدان، همگی ما غزه‌ای هستیم» و نیز با پلاکاردهایی با پیام «صلح» در مقابل موزه رینا سوفیا گرد آمدند. این موزه میزبان تابلوی «گرنیکا» اثر پیکاسو است که به عنوان نمادی جهانی علیه جنگ شناخته می‌شود.

در بارسلونا، جمعی از مردم با وجود باران شدید مقابل کلیسا تجمع کردند و پلاکاردی حمل می‌کردند که روی آن نوشته بود: «باید جنگ در خاورمیانه متوقف شود. غزه را فراموش نکنید. نه به نسل‌کشی». «پدرو سانچز»، نخست‌وزیر اسپانیا، در بیانیه‌ای موضع دولت را فقط در چند کلمه خلاصه کرد: «نه به جنگ».

در بیانیه نهایی، برگزارکنندگان تاکید کردند: «این مردم ایران هستند که باید آینده خود را تعیین کنند. هیچ چیز نمی‌تواند بمباران‌هایی که صدها بی‌گناه را کشته، توجیه کند».

جنگ‌ها معمولا با ویرانی شهرها شناخته می‌شوند؛ با ساختمان‌های فروبرخته، جاده‌های ازهم‌گسسته و زیرساخت‌هایی که از کار افتاده‌اند. اما در دل این ویرانی‌های آشکار، نوع دیگری از خسارت نیز رخ می‌دهد که کمتر دیده و گاه دیرتر فهمیده می‌شود: آسیب به حافظه تاریخی ملت‌ها. در روزهای اخیر گزارش‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهد دامنه خسارت‌ها فقط به زیرساخت‌های شهری محدود نمانده و به برخی از مهم‌ترین فضاهای تاریخی ایران نیز رسیده است. در اصفهان، نشانه‌هایی از آسیب در بخشی از مجموعه دولتخانه صفوی گزارش شده است؛ مجموعه‌ای تاریخی که بناهایی چون عمارت رکب‌خانه، تالار اشرف و کاخ‌موزه چهل‌ستون را در برمی‌گیرد. این فضاها در قلب بافت تاریخی اصفهان قرار دارند و در مجاورت میدان نقش جهان واقع شده‌اند؛ میدانی که از شاخص‌ترین آثار ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو به شمار می‌ود. در غرب ایران نیز گزارش‌هایی از آسیب به محوطه تاریخی قلعه فلک‌الافلاک در خرم‌آباد منتشر شده است؛ دژی با پیشینه‌ای که به دوره ساسانی بازمی‌گردد و یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های معماری نظامی در فلات ایران محسوب می‌شود. این قلعه قرن‌ها بر فراز شهر ایستاده و به نمادی از تاریخ و هویت منطقه تبدیل شده است. هرچند ارزیابی مادی حافظه جمعی ملت‌ها هستند؛ نشانه‌هایی از تخصصی و مستند است، اما همین نشانه‌های اولیه برای برانگیختن نگرانی جدی در میان کارشناسان میراث فرهنگی کافی بوده است. تجربه‌های جهانی نشان داده‌اند آسیب به آثار تاریخی در شرایط درگیری‌های نظامی، اگر به‌موقع شناسایی و مهار نشود، می‌تواند پیامدهایی جبران‌ناپذیر به همراه داشته باشد. میراث فرهنگی فقط مجموعه‌ای از بناهای کهن نیست؛ این آثار در واقع لایه‌های مادی حافظه جمعی ملت‌ها هستند؛ نشانه‌هایی از مسیرهای تاریخی، تبادل فرهنگی و تجربه‌های مشترکی که طی قرن‌ها شکل گرفته‌اند. هنگامی که چنین آثاری آسیب می‌بینند، آنچه از میان می‌رود فقط سنگ و آجر نیست، بلکه بخشی از روایت تاریخی یک جامعه از خود نیز از دست می‌رود. جامعه جهانی در دهه‌های گذشته بارها با چنین تجربه‌هایی مواجه شده است. تخریب معابد پالمیرا در سوریه، نابودی مجسمه‌های بودای بامیان در افغانستان و آسیب‌های گسترده به بافت تاریخی موصل



درحالی‌که ۱۶ روز از حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان می‌گذرد، مردم همچنان تلاش می‌کنند نبض زندگی روزمره خود را در دست بگیرند و در این میان بازارهای محلی مانند بازار قدیمی تجریش در تهران سندی زنده بر تداوم زندگی بر مدار صبر و تلاش است. عکس، علیرضا صوت‌اکبر، ایسنا

تاریخ زیر آتش



سعید خادمی

نمونه‌هایی هستند که نشان دادند میراث فرهنگی در دوران جنگ تا چه اندازه آسیب‌پذیر است. هریک از این رخدادها بعدها نه‌تنها به عنوان خسارتی ملی، بلکه به عنوان ضایعه‌ای برای این میراث مشترک بشریت شناخته شد. به همین دلیل نیز طی دهه‌های گذشته مجموعه‌ای از قواعد و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حفاظت از میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه شکل گرفته است. کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ درباره حفاظت از اموال فرهنگی در زمان جنگ، کنوانسیون میراث جهانی یونسکو در سال ۱۹۷۲ و نیز قطع‌نامه ۲۴۴۷ شورای امنیت سازمان ملل همگی بر یک اصل مشترک تاکید دارند: میراث فرهنگی، فارغ از مرزهای جغرافیایی، بخشی از میراث مشترک بشریت است و حفاظت از آن مسئولیتی جهانی محسوب می‌شود.

بر اساس این چارچوب‌ها، دولت‌ها و طرف‌های درگیر در مخاصمات نظامی موظف‌اند از واردآمدن آسیب به بناها و محوطه‌های فرهنگی جلوگیری کنند و در صورت وقوع خسارت، زمینه بررسی و حفاظت از آنها را فراهم کنند. تجربه‌های سال‌های اخیر نیز نشان داده است جامعه بین‌المللی نسبت به چنین مواردی بی‌تفاوت نمانده. در سال ۲۰۱۶، دیوان کیفری بین‌المللی برای نخستین‌بار تخریب عمدی میراث فرهنگی در شهر تیمبوکتو در مالی را به عنوان جنایت جنگی مورد پیگرد قرار داد؛ رخدادی که نشان داد آسیب به میراث فرهنگی می‌تواند پیامدهای حقوقی جدی در سطح جهانی داشته باشد. در چنین زمینه‌ای، گزارش‌های مربوط به آسیب‌دیدن فضاهای تاریخی در ایران فقط یک موضوع محلی یا ملی نیست؛ این رخدادها به‌طور

اتفاق خوانی

ایران غزه نیست

و دروغ تغذیه می‌شوند. ما غرورمان را از دست داده‌ایم. عزت‌مان را از دست داده‌ایم. شجاعت‌مان را از دست داده‌ایم؛ به‌جز در فیلم‌هایمان! ما چه مردمی هستیم که دولت منتخیمان نمی‌تواند در برابر آمریکا بایستد و آن را محکوم کند وقتی روسیه اقدام‌های دیگر کشورهای را می‌رباید و ترسور می‌کند؟» «آرونداتی روی» نویسنده هندی پرسید: «آیا دوست داریم چنین کاری با ما انجام شود؟ اینکه نخست‌وزیر ما فقط چند روز پیش از حمله به ایران، به اسرائیل سفر کند و بنیامین نتانیاهو را در آغوش بگیرد. این چه معنایی دارد؟ اینکه دولت ما درست چند روز پیش از آنکه دیوان عالی آمریکا تعریفه‌های ترامپ را غیرقانونی اعلام کند، یک قرارداد تجاری تحقیرآمیز با آمریکا امضا کند که عملا کشاورزان و صنعت نساجی ما را قربانی می‌کند. این چه معنایی دارد؟ اینکه اکنون به ما «اجازه» داده شود از روسیه نفت بخریم، این چه معنایی دارد؟ دیگر برای چه چیزهایی باید اجازه بگیریم؟ برای رفتن به دستشویی؟ برای یک روز مرخصی گرفتن از کار؟ برای دیدن مادرانمان؟ هر روز سیاست‌مداران آمریکایی، از جمله دونالد ترامپ، ما را علنا مسخره و تحقیر می‌کنند و نخست‌وزیر ما با آن خنده مشهور و توخالی‌اش فقط می‌خندد و همچنان در آغوششان می‌رود». او در بخش دیگر از سخانش به سیاست‌های هند در برابر اسرائیل اعتراض کرد و گفت: «در اوج نسل‌کشی در غزه، دولت هند هزاران کارگر فقیر هندی را به اسرائیل فرستاد تا جای کارگران فلسطینی اخراج‌شده را بگیرند. اکنون گزارش شده است درحالی‌که اسرائیلی‌ها به پناهگاه‌ها می‌روند. آن کارگران هندی اجازه ورود به این پناهگاه‌ها را ندارند. این همه چه معنایی دارد؟ چه کسی ما را به این جایگاه تحقیرآمیز، شرم‌آور و نفرت‌انگیز در جهان کشانده است». او خطاب به حضاران گفت: «بعضی از شما به یاد دارید که زمانی درباره اصطلاح برطمطراق کمونیست‌های چینی، یعنی «سگ دست‌آموز امپریالیسم» شوخی می‌کردیم. اما اکنون باید بگویم که این اصطلاح کاملا برانزده ماست. البته به‌جز در فیلم‌های خودمان، جایی که فرمانان سلولوییدی ما با غرور قدم می‌زنند و جنگ‌های خیالی یکی پس از دیگری را می‌برند؛ قهرمانانی بیش از حد عضلانی، که با خشونت بی‌دلیل و ذهن‌های توخالی‌شان، عطش سیری‌ناپذیر ما برای خون را تغذیه می‌کنند».

جنگ خوانی

چند پیشنهاد برای روزهای جنگ

نه از کلمات‌شان، وقتی سفره شام پهن است اما تمام صحبت‌ها درباره تحلیل‌های سیاسی و نظامی و قیمت دلار می‌چرخد. امنیت خانه (که آخرین پناهگاه نوجوان است) فرو می‌ریزد. در دسترس‌ترین راهکار در این باره «قانون حریم امن» است. در خانه فضاهایی (مثل میز غذا یا ساعت قبل از خواب) ایجاد کنید که ورود اخبار جنگ به آنها ممنوع باشد. به‌جای پنهان کردن ترس‌تان، آن را به رسمیت بشناسید.

تحلیل خوانی

موضوع تجزیه در ایران خیلی جدی نیست

شانزدهمین روز جنگ را سپری می‌کنیم. جنگی که مخاطرات تاریخی و اجتماعی برای ایران و مردم به همراه دارد، به‌ویژه در این روزها که بحث‌هایی مانند تجزیه‌طلبی، دوقطبی‌سازی جامعه یا حتی آزادسازی سرزمین توسط نیروهای خارجی مطرح می‌شود. سیدمحمد بهشتی درباره این شرایط با ایسنا گفت‌وگو کرد و گفت: «در چنین شرایطی مهم‌ترین نکته حفظ انسجام و هوشیاری جامعه است. تجربه‌های تاریخی نشان داده است در دوره‌های پس از جنگ، فشارهای سیاسی و اجتماعی می‌تواند به شکل‌های مختلف بروز کند؛ از دوقطبی‌سازی جامعه گرفته تا طرح بحث‌های تجزیه‌طلبانه. در این وضعیت، حفظ وحدت ملی و توجه به منافع بلندمدت کشور اهمیت زیادی دارد. از سوی دیگر، میراث فرهنگی و تاریخی یکی از مهم‌ترین عناصر هویت ملی است. حفاظت از این میراث، صرفا یک اقدام فرهنگی نیست، بلکه به نوعی دفاع از هویت و تاریخ کشور محسوب می‌شود. بنابراین، هم نهادهای رسمی و هم مردم باید در حد توان خود برای حفظ این میراث و جلوگیری از آسیب به آن تلاش کنند.»

این پژوهشگر میراث فرهنگی گفت: «در شرایط فعلی مراقبت از ایران از هر کار دیگری واجب‌تر است. هر چیزی که موجودیت ایران را بخوابد به مخاطره بیندازد باید در برابرش ایستادگی کرد. یکی از مصادیق آن هم همین بحث «تجزیه‌طلبی» است. تمامیت ارضی ایران یک پیکره واحد است و باید از آن مراقبت کرد. نکته دیگری که وجود دارد این است که ایران اصولا سرزمین «بی‌قراری» است؛ یعنی سرزمینی که در طول تاریخ خود بارها با حوادث و بحران‌های مختلف روبه‌رو شده است.

اما ایرانی‌ها به لحاظ فرهنگی توانایی این را داشته‌اند که این بی‌قراری‌ها را تدبیر کنند، به‌گونه‌ای که در نهایت حاصل آن «قرار در دل بی‌قراری» باشد. ایران بیدی نیست که با هر بادی بلرزد. در طول تاریخ از این حوادث کم نداشت‌ه‌ایم و هر بار توانسته‌ایم بر آنها فائق بیایم. این هم یکی از همان حوادث است که به طور طبیعی باید از آن عبور کرد.»

بهشتی معتقد است: «اساسا موضوع تجزیه در ایران خیلی جدی نیست و دلایل مختلفی برای این موضوع وجود دارد. یکی از دلایل این است که تنوع فرهنگی در ایران یک تنوع «اندام‌واره» است؛ یعنی اجزایی جدا از هم نیستند؛ مثل یک بدن که پیکره‌ای واحد دارد اما اندام‌های مختلف در آن وجود دارد. در بزنگاه‌های مختلف هرکدام از این اندام‌ها نقش خاص خود را ایفا می‌کنند. نکته دیگر این است که تنوع فرهنگی در ایران، منشأ درون‌سرزمینی دارد. بنابراین ریشه همه این فرهنگ‌ها در درون همین جغرافیا قرار دارد. نکته سوم اینکه تنوع فرهنگی در ایران اساسا هم‌گراست. برای مثال اگر بخواهید از یک میوه‌فروش خرید کنید، آیا برایتان مهم است که او آذری است، کرد است یا اهل گلپایگان؟ در بسیاری از کشورهایی که تنوع فرهنگی دارند، چنین حساسیت‌هایی وجود دارد. مثلا ممکن است در شهری مانند اربیل (در عراق) اگر یک عرب اهل بصره مغازه‌ای باز کند، کسی از او خرید نکند اما در ایران چنین وضعیتی وجود ندارد و این نشان می‌دهد که تنوع فرهنگی در ایران ماهیتی هم‌گرا دارد. البته گاهی شیظنت‌هایی صورت می‌گیرد.»

او گفت: «در نهایت باید توجه داشت که ایران یک پیکره واحد است. اگر کسی صحبت از تجزیه آن کند، در واقع مانند این است که بخواهد عضوی از بدن را جدا کند. به همین دلیل چنین سخنی نشانه خیانت تلقی می‌شود، زیرا با تمامیت یک پیکره زنده و واحد سرروکار دارد». رئیس اسبق سازمان میراث فرهنگی همچنین گفت: «مردم پیش از هر چیز باید خودشان را حفظ کنند. اما اگر تهدیداتی ناشی از ناامنی پیش آمد، مردم می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. در واقع این اتفاق حتی در زمان انقلاب هم افتاد. در روزهایی که کشور شرایط کاملا باثباتی نداشت، این مردم بودند که از آثار تاریخی مراقبت کردند. برای مثال «موزه ملی» ایران تقریبا خسارت جدی ندید، چون مردم از آن مراقبت کردند یا «کاخ گلستان» هم در ایام انقلاب تقریبا بدون خسارت باقی ماند. اینها نشان می‌دهد اگر شرایطی پیش بیاید که در تأمین امنیت ضعف‌هایی ایجاد شود، مردم می‌توانند فعالانه وارد شوند و از این میراث مراقبت کنند.»